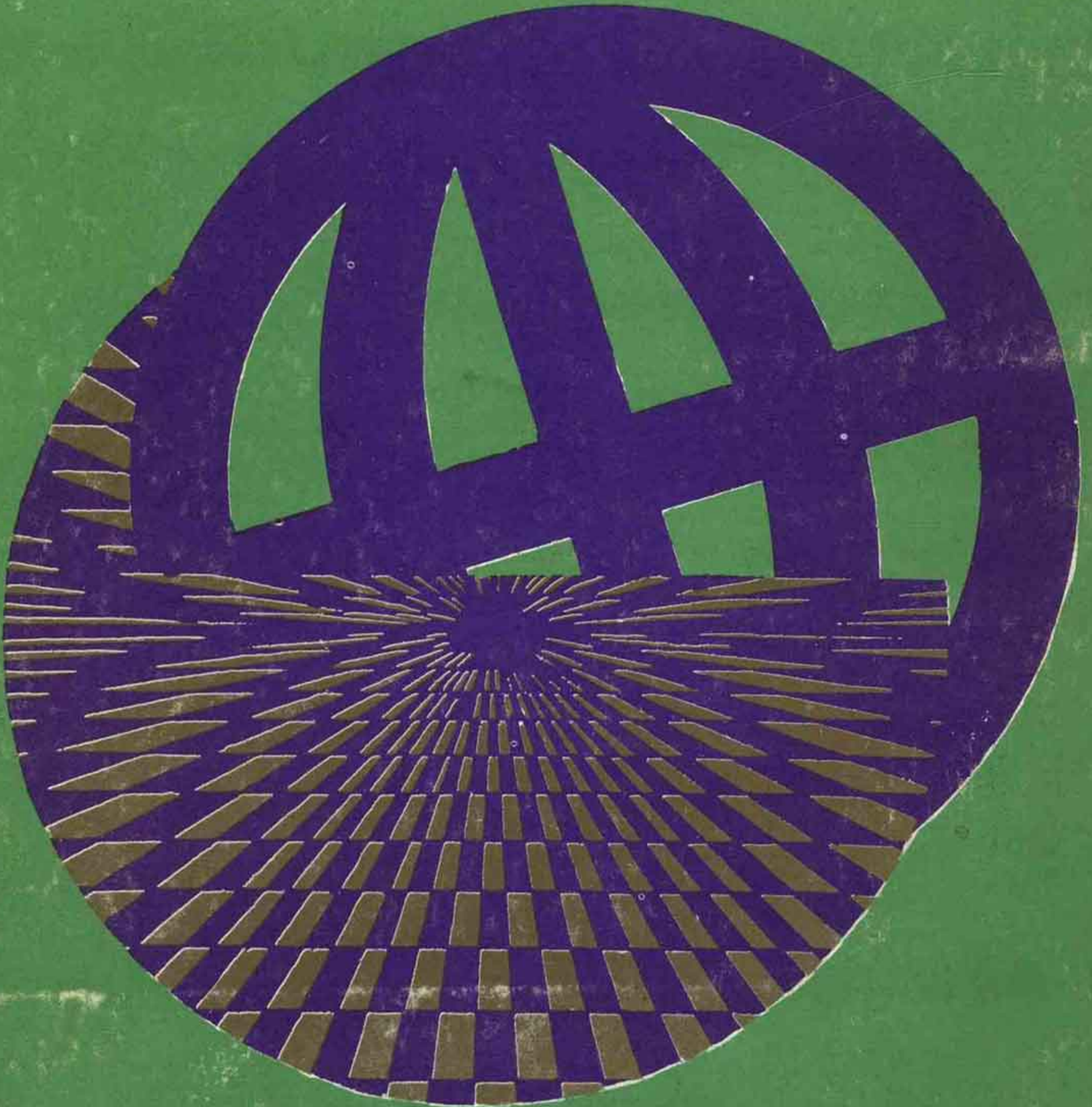


موسوعبد جهانی

از: سید ابوالفضل موسوی زنجانی
آیت ...



مدرسة دارالعلوم دیوبند

مدرسہ مدرسہ الہی

کتابخانه مدرسہ الہی (دیوبند)

تحریر محمد حسین
۱۳۱۳ھ

کتاب : موعود جهانی

نوشته : آیه الیه سید ابوالفضل موسوی مجتهد زنجانی

تعداد : پنج هزار جلد

چاپ سوم به سال ۱۳۶۳

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

بسم الله الرحمن الرحيم

ولا تبسوا على باطل وتحتوا على اثم تعلمون . سورة بقره، آیه ۴۲ .

کوبنده ترین ضربی که در تاریخ اسلام بر سیکر آن وارد شده طهارت افراد با اهل نالایق و غیر متخصص در مسائل اسلامی بوده که حق را با باطل در آمیختند و باطل را بجای حق بخورد مردم آلوده کند و مقبوضات باطل به حساب حق گذاشته شده و در اثر آن چه با انسانهای مخلص بنام توحید شرک در زید و بنام دین بی دین شده و برای حفظ معتقدات غلط خود انسانهای موحده و متدین واقعی را منحرف پنداشته و برای کوبیدن با زمین بردن آنها قیام کرده و یک نمونه آن جریان خوارج است علی بن ابیطالب که حق در وجود او غایت یاقه بود قربانی این جریان گشت و در زمان نیرنونه های مطاب مذکور را شاکه گشته ایم . و اینکه آثار بد و عواقب زشت تبس حق با باطل هر چو محلی بدست معاندین در عهد به اسلام میدهد در حالیکه طبق فرمایش امیرالمؤمنین اگر اسراج حق باطل انجام میگرفت برای جویندگان حق انحرافی پیش نیامد . فلوان باطل مخلص من مزاج اتحق لم تخف علی المراد فلوان اتحق مخلص من بس باطل تقطعت عنه السن المعاندین بطلبه ۵۱ نج البلاغه .

پس بر جویندگان حقیقت روح اسلام را ستین که هنوز اهلیت تجزیه و تحلیل در مسائل اسلامی را در خود ایجاد نکرده اند لازم است که بر اهلان نظر و کتاب نوشته هر کسی را برای دریافت حقائق اسلامی قبول کرده اهلیت و شایستگی صاحب نظر و تألیف اقتلا احرار نموده پس مطالعه نظرات و تألیفات او سپردارند زیرا از کوزه همان برون طراود که در دست .

۱- حق را با تبس باطل نپوشانید و تکران حق تمانید در حالیکه میدانید . ۲- مراد یعنی حق گرا، یعنی ضعیف .

بنامد مؤلف معاصر حضرت آیت الله آقای حاج سید ابوالفضل موسوی مجتهد زنجانی که عمری را در مطالعه و تحقیق در مسائل اسلامی سپری کرده اند و کتاب حاضر که
من کامل یک ستمگرانی در باره دوازدهمین شماره در عثمان آسمان است و ولایت حضرت مجتهدین بحسن العکری است در دوران تصفیان طاعت
در سال ۱۳۸۷ در مسجد هدایت ایراد فرموده اند و نشان و بنده پیش عالی و احاطه به همه جانیه معظمه به روح اسلام عزیز است که بخاطر اهمیت مطالب گنجینه
آن دو باب اجازه از حضرت ایشان به چاپ نمودم آن اقدام کردید. امید است خوانندگان با مطالعه آن صدق توفیق حاصل نمایند.

سید الدین محمد

وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات
 ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من
 قبلهم وليمكن لهم دينهم الذي ارتضى لهم و
 ليبدلنهم من بعد خوفهم امنا يعبدونني لا يشركون
 بي شيئا ومن كفر بعد ذلك فاولئك هم الفاسقون
 سوره نور آيه ۵۵ (۱)

با بررسی در اسفار و نصوص و اشارات ادیان مختلف بدین
 حقیقت واقف میشویم که بشارت ظهور مصلح و مجری عدالت
 اجتماعی (بتمام معنی کلمه) در روی زمین و در آخر زمان مخصوص
 بدین اسلام و مذهب تشیع نبوده و در همه ادیان شناخته شده
 خاصه آن دسته که ریشه آسمانی داشته و از سرچشمه وحی الهی

۱ - خداوند وعده کرده بکسانی که به او ایمان آورده و کارهای
 شایسته کردند در زمین خلافت ببخشد چنانکه به پیشینیان بخشیده
 است و آنها را متمکن خواهد کرد تا از دین خدا پسندشان پیروی
 کنند و خوف و هراسشان را بامنیت مبدل خواهد ساخت تا او را
 پرستش کنند و هیچ چیز دیگر شریک خدا قرار ندهند بعد از این
 هر کس کفر ورزد پس آنها تبهکارانند .

تراوش نموده است سابقه ممتدی دارد ، اگر چه در خصوصیات اشخاص و امارات و علائم و جزئیات برنامه عمل تفاوت و اختلاف بنظر میرسد ولی در اصل موضوع متفق بوده و بشریت را متوجه آینده و عاقبت کار نموده و نوید نجات و رفاه و امنیت و عدالت در ازمنه بعد را داده اند .

و با در نظر گرفتن اینکه جوامع بشری و پیروان ادیان غالباً دور از یکدیگر و در محیط‌های مختلف میزیسته‌اند و از حیث زمان و مکان فاصله داشته و از یکدیگر بی‌خبر و منقطع بوده‌اند و روابطی شبیه با آنچه که امروز در نتیجه ترقی علم و صنعت پدید آمده در میان آنها نبوده است اطمینان حاصل میشود که در این موضوع اقتباس و تقلید بکار نرفته و اصل قضیه علی‌رغم ^{ای} هاله از خرافات که آنرا در برگرفته است یک مقصد اساسی بوده و از یک امر واقعی و حتمی خبر داده شده است و میرساند که جامعه بشری در مسیر تکاملی خود پس از طی فراز و نشیبهای زندگی بالاخره رشد و استعداد پذیرش عدل اجتماعی و حکومت واحد جهانی را پیدا کرده و با پیدایش چنین حالت برهبری شخص صالح و مصلحی از همه مظالم و فجایع و جنایات و محرومیتها که در طول تاریخ خود با آن دست و پنجه نرم میکرده است رهایی خواهد یافت و از این همه تاریکیها که در آن غوطه ورگشته است بروشنایی رهنمون خواهد شد .

گذشته‌های جوامع بشری تا آنجا که تاریخ نشان میدهد

بینهایت اسف انگیز بوده و اگر چند صبا-یی براه راست رفته‌اند در عوض آن قرن‌ها کجروی کرده و در فاصله‌های قیام راهنمایان برگزیده خداداد چاررکود و جمود شده و احیانا عقب گرد کرده‌اند چنانکه قرآن مجید امم سالفه را چنین توصیف نموده و بمسلمین هشدار میدهد که مبادا پابپای آنها بروند در آیه ۱۶ سوره حدید میفرماید الم یان للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله وما نزل من الحق و لا یكونوا کالذین اوتوا الكتاب من قبل فطال علیهم الامد فنسوت قلوبهم و کثیر منهم فاسقون (۱) و در آیه ۱۴۴ سوره آل عمران میفرماید و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات، او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئا و سیجزی الله الشاکرین (۲)

۱ - آیا هنوز وقت آن نرسیده است که گروندگان باسلام بیاد خدا و بآنچه از تعالیم حق فرود آمده است خاشع و دلنرم شوند و مانند کسانی نباشند که بآنها پیشتر کتاب و شریعت داده شد و همینکه دوران فترت بدر از اکشید دلهاشان بسختی و قساوت گرائید و بیشتری از آنان از راه بیرون رفتند.

۲ - نیست محمد (ص) جز پیامبری که پیش از او پیامبرانی بودند و در گذشتند آیا اگر او بمرگ طبیعی یا بشهادت در گذرد شما عقب گرد کرده و بدوران جاهلیت خواهید برگشت هر آنکس که

عقل بشر از دیر باز در جهت بهبود زندگی اجتماعی تلاش کرده افکار و فلسفه‌های گوناگون عرضه نموده حدود و قوانین بسیار نوشته شده نظامات و تمدنهای متنوع در هر گوشه جهان بوجود آمده ^{ولی} چون از تعالیم مکتب انبیاء مایه نگرفته و عاری از فضائل اخلاقی بوده ^{است} نمیتوانست در میان نیازمندیهای روحی و مادی انسان تعادل برقرار کند همگی سقوط کرده و از بین ^{رفته اند} بی آنکه انسانیت از آن طرفی ببندد و جوامع بشری بنوائی برسد و مشکل عدل اجتماعی همچنان لاینحل مانده ^{است} و البته در هیچ دورانی هم عرصه زمین از مردمان صالح و حقیقت جو و حق پرست خالی نبوده و نخواهد بود که با استقامت و تحمل انواع سختیها و محرومیتها در بیاداشتن معالم حق و مکارم اخلاق و مبارزه با باطل دست از مجاهدت برنداشته و از فداکاری دریغ نورزیده‌اند تا مگر اندکی از عقبگردیهای بشر را متوقف ساخته و یا گامی چند بجلو برانند و در محیط سراپا یا سراسف انگیز با پیشگوئیهای تسلی بخش دورنمایی از آینده تابناک در مد نظر زبردستان و محرومان ترسیم نموده و روح امیدواری بدلهای افسرده‌شان دمیده‌اند فاصبران و عدل

اللهم حق ولا یستخفک الذین لا یوقنون (۳)

و از سوی دیگر همین پیشگوییها به خیل ستمگران و جباران

بعقب برگردد ضرری بخدا نتواند رساند و خود زیان خواهد برد خدا به آنان که از نعمت هدایت شکرگذار باشند پاداش خواهد داد.

نیز هشدار میدهد که متوجه مسئولیت خویش بوده و تصور نکنند که چرخ روزگار همیشه دور یک محور می‌گردد و از دایره‌تمنیات و تعایلات حیوانی آنها بیرون نمی‌رود باشد در اثر این اعلام خطر از سرکشی و تبهکاری و ترکتازی‌شان بکاهد.

و چون کشاکش حق و باطل از سنن جاریه الهی بوده و اختصاص بعصر و قوم معینی ندارد دورگ‌گرا است این آب شیرین و آب شور برخلاق می‌رود تا نفع صور، سننه‌الله فی الذین خلوا من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلا (۴) طبعاً امه حضرت خاتم الانبیا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌ازاین ابتلا و سرنوشت مستثنی نمی‌تواند بود و چنانکه در کتب انبیاء سلف نوشته شده است که بالمال زمین از آن بندگان شایسته خداوند خواهد بود قرآن مجید نیز در آیه شریفه که در سر صفحه آوردیم و آیات دیگر سرانجام مبارزه پیگیر حق و باطل را که منجر به پیروزی حق و عدالت خواهد شد به پیروان آن حضرت نوید داده است تا تسلیم نومیدی نشوند و از پای در نیایند.

- ۳ - پایداری کن چه وعده خدا حق و حتمی است ناباوران ترا از میدان مجاهدت بیرون نبرند دوم آیه ۶۰
- ۴ - سنت الهی درباره امت های گذشته و پیشینیان چنین بوده و در آن تغییر و تبدیل نخواهید یافت احزاب ۶۲

مقدمتاً مناسب میدانیم شمه‌ای از بشارات وارده در ادیان دیگر را نقل کرده و سپس بآنچه که در اسلام در باره مهدی موعود علیه السلام آمده است پردازیم.

در کتابهای مذهبی هند^۱ نوشته شده است که در اواخر جک چهارم (بمعنی دوران) مردم روی زمین بفساد گرائیده و بیشترشان کفرورزیده و مرتکب گناهان بسیار میشوند و فرومایگان بنامداری رسیده و بسان گرگ درنده بجان دیگران میافتند و هر چه را که بدست بیاورند بیغما میبرند کاهنان و روحانیون هم مانند آنها فاسد میگردند و اکثریت با دزدان میشود و مردم پرهیزکار و پارسا همه جا مورد تحقیر و اهانت قرار میگیرند آنگاه برهن کلا (بمعنی مرد روحانی نیرومند) شمشیر آخته و بان نیروی مقاومت ناپذیر مفسدان را از میان برمیدارد و زمین را از پلیدیها پاک میسازد و نیکان و پاکان را باقی میگذارد تا بتناسل ادامه بدهند (۱).

و در بهگودگیتا (بمعنی نغمه آسمانی) از کتابهای مذهبی هند آمده است وقتی که تقوی و عدالت از میان مردم برود و گناه شیوع یابد من خود در دنیا ظاهر میشوم برای حفظ خوبیها و هلاک بدکاران و استقرار عدالت و پرهیزکاری (۲).

در آیین جین‌ها آمده است هر زمان که فساد و انحطاط و تباهی جهان را فرا گیرد شخص کاملی که آنرا تیرتنکر (بمعنی بشارت داده شده) گویند ظهور میکند و تباهی را از میان میبرد و پاکی و صافی^۱ از نو برقرار میسازد (۳).

در مکتب جدید بودا آمده است در هر زمانی شخصیت‌های کامل بوجود می‌آیند که بخاطر محبت و شکیبایی و فداکاری که به هموعان خویش نشان میدهند آنها را به حقیقت تعلیمات بودا و نیروانا (۴) آشنا میسازند و عده جدید نیز بانسان دادن همان نوع دوستی و فداکاری بمردم راه نجات را می‌آموزند (۵).

در کتابهای مذهبی زردشت وارد شده است که شخص مصلحی بنام بهرام شاه پدیدار میگردد و مفسد را از میان برداشته و به آیین زردشت رونق میدهد و در نوشته‌های موبدان پیش از ظهور اسلام ذکر شده که مصلح عظیمی در آخر زمان بنام شوت ظهور کند و پیشاپیش او چهل نفر مرد جنگی که پوست ببر برتن دارند (کنایه از شکست ناپذیری آنها است) خواهند بود و دیانت را بجلال و شوکت اولی خود باز خواهند گردانید (۶).

۳ - همان کتاب ۵۴

۴ - نروانا در آیین بودا بمعنی انکار ذات است و پیوستن بروح کلی عالم که در اصطلاح صوفیه فنا فی اله گویند.

۵ - اوپانیشاد ۷۳

و نیز در زند اوستا نوشته شده است از قول زردشت که در آخر زمان شخصی بنام اشیزریکا (بمعنی مرد آگاه از دین و عدالت) ظهور خواهد کرد و همزمان او پتیاره (۷) نیز ظاهر خواهد شد و بعدت بیست سال در کار کشور او رخنه و اختلال خواهد انداخت سپس اشیزریکا بر مردم چیره شده عدالت را زنده و ستم را از میان میبرد و سنتهای تغییر یافته را بحالت اولی برمیگرداند و پادشاهان و نامداران همگی از او اطاعت میکنند و مشکلات در برابر او آسان میشود و دین حق را یاری کرده امنیت و آسایش را بسط میدهد و فتنهها و رنجها بکلی از میان میرود (۱) .

و نیز فقهای زردشتی بمردم چنان وعده میدادند که صحنه آخری زندگی در این عالم برای آدم عادل و درستگار با سعادت خاتمه مییابد پس از چهار دوره سه هزار ساله که در آنها غلبه گاهی با اهورامزدا و گاهی با اهریمن است در پایان کار نیروی بدی شکست میخورد و از جهان بر میافتد حق در همه جا پیروز میشود و دیگر مرکز شر و فساد وجود نخواهد داشت (۲) .

۶ - مفتاح باب الابواب

۷ - موجودی است مانند آنکه در اخبار ما از اودجال تعبیر شده است .

۱ - دائره المعارف فریدوجدی جلد ۸ صفحه ۴۵۳

۲ - شرق زمین کاهواره تمدن ۵۴۳

در فصل ۱۸ تورات مثنی از بند پانزدهم تا هیجدهم چنین گوید خداوند خدایت از میان برادرانت (۳) پیغمبری را مثل من مبعوث میگرداند اورا بشنوید خداوند بموسی فرمود هر آنچه گفتم شنیدم از برای ایشان پیغمبر را مثل تو از میان برادران ایشان مبعوث خواهم کرد و کلام خود را بدعوتش خواهم گذاشت تا هر آنچه که به او امر میفرمایم بایشان برساند .

در فصل ۳۳ سفر تکوین بندیکم آمده است موسی گفت خداوند از سینا برآمد و در سعیر برایشان تجلی کرد و از کوه پاران درخشنده شد (۴)

۳ - این فصل از تورات ناظر به بعثت حضرت خاتم الانبیاء صلی اله علیه واله است و مقصود از (برادران) فرزندان حضرت اسمعیل است که برادر بزرگ حضرت اسحاق جدا اعلای حضرت موسی است و چنانکه روشن است حضرت اسمعیل نیز جدا اعلای حضرت خاتم الانبیاء بود و جمله (مثل تو) یعنی صاحب شریعت مستقل و جمله (کلام خود را بدعوتش خواهم گذاشت) اشاره بقرآن مجید است

۴ - اشاره به سه نفر از بزرگان پیغمبران و نزول وحی برایشان است در کوه سینا بحضرت موسی و در سعیر که از کوههای فلسطین است بحضرت عیسی و در پاران که از کوههای اطراف مکه است بحضرت خاتم الانبیا (ص)

در فصل ۷۲ زبور از بند یکم تا سیزدهم میگوید ای خدا احکام خود را به ملک و عدالت خود را به ملکزاده عطا فرماتا آنکه قوم ترا به عدالت و فقرای ترا به انصاف حکم کند، به قوم کوهها سلامت و بگریوهها عدالت برساند، فقیران قوم را حکم کند، و پسران مسکینان را نجات دهد و ظالم را بشکند، تا باقیماندن آفتاب و ماه دور بدور از او بترسند و از دریا تا به دریا و از نهر تا با قصای زمین سلطنت خواهد نمود، بلکه تمامی ملوک به او کرنش خواهند نمود، بذلیل و محتاج ترحم خواهد فرمود و جان مسکینان را نجات خواهد داد. در فصل دوم کتاب حبقوق نبی نوشته شده است: بنویس وحی را و واضح بنویس بر لوحی از آن جهت که روان باشد قاری آن (۱) که دیگر پیمبری بوعده است و گفتگو خواهد کرد که آمدن او آمدنی است!

۱ - مقصود آنست که همه کس بتواند وحی را به آسانی بخواند و درک کند.

آمدنی است و دیر نمیکند هر که سخت روئی کند با او شایسته نباشد جان او باو (۲) و صالح با ایمان آوردن باو زندگی کند .
 و در فصل سوم همین کتاب چنین گوید خداوند از جانب جنوب خواهد آمد و خاصی از کوه پاران خواهد آمد (۳) همیشه خواهد بود خواهد پوشانید آسمانرا شرافت او (۴) وستایش او پر خواهد کرد زمین را (۵)
 و در فصل چهل و دو کتاب اشعیا میگوید اینک بنده من

- ۲ - یعنی هر کس در پیشرفت دعوت او مقاومت بکند کشته میشود (حق حیات ندارد) و این علامت بحضرت مسیح منطبق نیست چه آن بزرگوار مبارزه مسلحانه نداشته است و دستور جهاد نداده است و خبر از بعثت حضرت خاتم الانبیا (ص) است .
- ۳ - کوه پاران بشهادت تورات در حجاز و در مکه مکرمه که جنوب شبه جزیره است واقع شده چنانکه در سفر تکوین فصل ۳۱ بند ۲۱ در باره اسمعیل میگوید خدا با پسر بود که نشو و نما نمود و در بیابان ساکن شده تیر انداز گردید و در بیابان پاران ساکن شد و این مسلم است که از اولاد اسمعیل بجز آنحضرت پیامبری نیامده است .
- ۴ - اشاره بمعراج آنحضرت است .
- ۵ - اشاره به اذان نمازهای پنجگانه است که همه جابینج نوبت از منارهها منعکس میشود اشهدان محمد رسول الله (ص)

اعانت کنم اورا برگزیده من پسندیده من وحی خود را بر او فرستم شریعت برای قوما بیرون آورد نی خورد شده را نشکند و فتیله نیمسوز را خاموش نکند برآستی آورد شریعت را ضعیف نشود و نگریزد تا بنهد شریعت را و بکتاب او جزیره‌ها امیدوار باشند (۷) در فصل هفتم همین کتاب از ظهور حضرت مسیح (ع) خبر داده میگوید اینک باکره حامل شده و پسری خواهد زائید و اسمش را امانوئل خواهد خواند.

در فصل چهاردهم انجیل یوحنا از قول حضرت مسیح آورده است اگر مرا دوست دارید وصایای مرا نگاهدارید و من از پدر در خواست میکنم فرقلیط دیگری بشما عطا نماید تا همیشه باشما باشد روح حق که جهان طاقت قبول او را ندارد زیرا که اورا نمی بیند و نمیشناسد و فرقلیط که پدر با اسم من میفرستد

۶ - دو جمله برگزیده و پسندیده من در این فصل مرا فآن بزبان عربی کلمه مصطفی و محمد است که لقب و نام حضرت خاتم الانبیا است .

۷ - اوصافی که در این فصل ذکر شده است کاملا منطبق با آن حضرت است که بر هیچکس بانگ نمیزد و با همه جلالت قدر و عظمت مقام فروتن بود و وزیر دستان را نوازش میکرد و در میدان جنگ هرگز پشت بدشمن نکرد و کتاب آسمانی او در همه جا و در جزایر دور دست منتشر شد .

همه چیز همه چیز را بشما تعلیم خواهد داد والان پیش از وقوع
بشما گفتم تا وقتیکه واقع گردد ایمان آورید .

و در فصل پانزدهم همان کتاب میگوید لکن وقتیکه فرقلیط
که او را از جانب پدر بسوی شما میفرستم روح راستی که از پدر صادر
میگردد و بنفع من شهادت میدهد و شما نیز شهادت میدهید
زیرا که از ابتدای امر با من بودید .

و در فصل شانزدهم میگوید ولکن من بحق بشما میگویم که
رفتن من از برای شما بهتر است زیرا که اگر نروم فرقلیط بسوی شما
نخواهد آمد اما اگر رفتم او را نزد شما میفرستم و بسی گفتنی‌ها
دارم لکن حالا طاقت تحمل آنها ندارید همینکه آن روح حق آمد
همراه استیهارا بشما تعلیم خواهد داد و قدر مرا بالا خواهد برد (۱)

۱ - چهار کتابی که بنام انجیل شهرت یافته ابتدا بزبان یونانی
نوشته شده و بعد بزبانهای دیگر ترجمه کرده‌اند کلمه فرقلیط که
در این فصل‌ها آمده است از اصل یونانی
گرفته شده است که مرادف آن در زبان فارسی ستایش کننده تر
و پسندیده و ستوده و در زبان عربی احمد و محمد (ص) است
که هر دو اسم مبارک آنحضرت است و بمنظور کتمان حقیقت آنها
تحریف کرده و بصورت در آورده در ترجمه‌های
فارسی به تسلی دهند و در ترجمه‌های عربی به معزی برگرداننده‌اند
و در یک قسمت از ترجمه‌های قبلی همان لفظ فرقلیط را آورده‌اند

پیشگوئیها و بشارات دیگری در اسفار عهد قدیم و عهد جدید در کتاب دانیال و اشعیا و داود و انجیل متی و مکاشفات یوحنا وارد شده است برعایت اختصار از آنها صرف نظر میکنیم که گفتهاند مشتی نمونه خرواری است و در همه این قبیل نصوص و اشارات کوشش شده است با دمیدن روح امیدواری به آینده و عاقبت کار طرفداران حق و عدالت در سخت ترین شرایط و اوضاع پایداری نموده و از نشاط و تحرک باز نایستند و نومید را بدل راه ندهند چه نومیدی یعنی مرگ .

بنابر این در دین اسلام نیز از این سنت پیروی شده و مخصوصا به دو نکته یعنی وعده بسط عدل اجتماعی در سراسر جهان و استقرار حکومت واحد بسیار تکیه شده است اینک قسمتی از آیات و روایات را که دلالت بر ظهور و غلبه حق در سرانجام کار دارد و تصریح یا اشاره بظهور مهدی علیه السلام مینماید ذکر کرده و کوشش کردیم همه آنها را از منابع اهل سنت بیاوریم چه در نوشته‌های بعضی از آنها مشاهده شد که تن بزحمت تتبع و مطالعه کتابهای پیشینیان خودشان نداده و در موضوع مهدی آخر زمان شیعه را مورد حمله قرار داده و باینک نوع فلسفه بافی نیش‌دار نوشته است چون شیعه در طول تاریخ خود همه جا مغلوب و منکوب و زیر فشار بودند برای تسلی خاطر و دلخوشی خود افسانه مهدی را بر زبانها انداخته‌اند .

در صورتیکه جمع کثیری از محدثین و حفاظ و مفسران و علماء

مورد وثوق اهل سنت که اصل کتابها و منقولات آنها در دسترس اهل تحقیق است بدان معترف بوده و از حقایق مسلمه تلقی کرده اند و آنچه از آثار و احادیث معتبر فریقین در ظهور مصلح آخر زمان بتعبیرات گوناگون امام و خلیفه و مهدی بما رسیده است بعد توأتر معنوی و قطعی است و اگر تنها فهرستی از آنها بیاوریم کتاب قطوری^۱ تشکیل میدهد و این مختصر کنجایش آنرا ندارد.

و همگی با تفاوت در عبارات و تنوع مضمون حاکی و صریح در اینمعنی است که شخصی از عترت و خاندان حضرت خاتم الانبیا صلی اله علیه واله پسین روزگار که ظلم و جور عالمگیر شود ظاهر خواهد شد و با اجرای شریعت جد بزرگوارش روی زمین راپر از عدل و داد خواهد کرد و در سایه حکومت او جهانیان در امنیت و آسایش خواهند زیست و اختلاف تنها در تعیین شخص مصلح است اینک قسمتی از آنچه در موضوع مهدویت بدون تعیین شخص از طریق اهل سنت وارد شده است ذکر کرده سپس بمدارک تعیین شخص مقدس مهدی میپردازیم .

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی
الدین کله و لو کره المشرکون (۱)

۱ - خدا است که پیامبر خود را با هدایت و دین حق فرستاده است تا آنها بر همه ادیان چیره سازد اگر چه مشرکان آنها -
نپسندند ۳۳ سوره توبه .

شبلنجی از سعید بن جبیر که از بزرگان تابعین است نقل میکند این آیه ناظر بظهور مهدی است و از کنجی در کتاب (۲) روح البیان همین تفسیر را آورده و در پایان میگوید مهدی از عترت پیغمبر امامی است عادل (۳) طبرسی از سدی که از مفسران صدر اول است آورده است که غلبه اسلام بر سایر ادیان بهنگام ظهور مهدی خواهد بود و از کلبی (از مفسران صدر اول) نقل کرده هیچ دینی نمیماند مگر آنکه دین اسلام بر آن چیره میشود و این وعده هنوز تحقق نیافته (۴) رشیدالدین میبیدی در تفسیر آیه آورده است ابو سعید گفت حضرت رسول صلی اله علیه و آله ابتلا امت خود را بیان فرمود تا آنجا که هیچ کس پناهگاهی که بتواند از ظلم بدانجا پناهنده شود نخواهد یافت پس خدامردی را از خاندان من بر میانگیزد و او زمین را از عدل و داد پر میکند بدانسان که از ظلم آکنده شده است (۵).

و نريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمه
و نجعلهم الوارثين (۱) ابن ابی الحدید معتزلی از حضرت

۲ - کتاب نور الابصار ۱۶۶

۳ - جلد اول صفحه ۸۹۰

۴ - مجمع البیان جزو ۵ صفحه ۲۵

۵ - کشف الاسرار جلد ۴ صفحه ۱۲۰

۱ - میخواهیم بر فروماندگان زیر دست منت نهاده و آنها را به پیشوایی رسانده و وارثان زمین قرار دهیم سوره قصص آیه ۵

امیرالمومنین علیه السلام روایت کرده که فرمود دنیا پس از همه سرکشی بالاخره بماروی خواهد آورد مانند شتر ماده که نمیگذارد شیرش را بدوشند و با پستان پر از شیر بسراغ طفل خود میرود و این آیه را تلاوت فرمود سپس میگوید اصحاب ما (معتزله) معتقدند که این وعده ظهور امامی است که بر همه کشورها مستولی خواهد شد (۲).

الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوه واتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر ولله عاقبه الامور (۳) سلیمان بن ابراهیم حنفی از ابو جارود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده است که این آیه در شان مهدی و یارانش نازل شده است و خدا مشرق و مغرب زمین را در اختیار آنان خواهد گذاشت (۴) وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم ولیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم ولیبدلنهم من بعد خوفهم انما یعبدوننی لایشرکون

۲ - شرح نهج البلاغه جلد ۳ ص ۱۹۹

۳ - یاری دهندگان خدا کسانی هستند که اگر در روی زمین بآنها تمکین بدهیم نماز را بپا میداند و زکوة مال میپردازند مردم را بکارهای شایسته و ادار میکنند و از کارهای زشت باز میدارند و عاقبت همه کارها در دست خداست سوره حج آیه ۴۱

۴ - کتاب ینابیع الموده ۱۷۱

بی‌شیئا (۵) سلیمان بن ابراهیم از اسحق بن عبدالله از حضرت زین العابدین روایت کرده است که این در باره قائم مهدی نازل شده است (۶) وانه لعلم للساعه فلا تمترن بها (۷) ابن حجر عسقلانی از علماء اهل سنت گفته است که مقاتل بن سلیمان (از مفسران صدر اول) و اتباع او متفق القول گفته‌اند که این آیه در باره‌ی مهدی آل محمد (ص) نازل شده است (۸) و بعضی گفته‌اند که مقصود از آیه نزول حضرت عیسی علیه السلام است که پیش از از فرار رسیدن روز قیامت واقع خواهد شد و با در نظر گرفتن روایات فریقین که فرود آمدن عیسی (ع) همزمان با ظهور مهدی (ع) خواهد بود و این دو واقعه جدائی ناپذیر است تفسیر مقاتل و

۵ - خداوند وعده داده است بکسانی از شما که ایمان آورد و کارهای نیکو و شایسته بکنند بقید سوگند آنهارا در روی زمین خلافت ببخشند چنانکه در باره نیکوکاران پیشینان کرده است و قادر خواهد ساخت بر اینکه دین خدا پسند خویش^۱ بها دارند و اندیشه و هراسشان را مبدل با امنیت خواهد نمود تا خدا را پرستش کرده و هیچ چیز دیگر را شریک او قرار ندهند.

۶ - ینابیع الموده ۱۷۲

۷ - عیسی (ع) نشانه و آگاهی از قیامت است زنهار در آن شک و تردید روانداری .

۸ - اسعاف الراغبین ۱۴۰

دیگران بایکدیگر مبانیت ندارد .

در اینجا تذکر این نکته را مناسب میدانیم که میان این دو بزرگوار یعنی مسیح (ع) و مهدی (ع) وجوه مشترکی بنظر میرسد ،

۱ - هر دو شخصیت خارق العاده بوده و مشیت حق تعالی در مورد هر دو برخلاف سنن متعارفه جلوه گر شده است .

۲ - هر دو در اوان طفولیت یکی به نبوت و دیگری به ولایت رسیده است .

۳ - هر دو از نظر ها پنهان شدند .

۴ - درباره هر دو مردم بر دو گروه شدند گروهی بعثت مسیح (ع) را انکار کرده و گروهی او را پسر خدا معرفی کردند در مورد مهدی (ع) نیز نظیر این اختلاف پدید آمده است جمعی معتقدند که هم اکنون موجود است و در آخر زمان ظهور خواهد نمود و جمعی میگویند که بعدها بوجود خواهد آمد و شاید همین مشابهت بین این دو بزرگوار وجه مناسبت همکاریشان در پایان کار است .

و اما بزرگان محدثین اهل سنت که ظهور مهدی آخر زمان را در صحاح و سنن خود آورده اند تا آنجا که وسیله مراجعه و بررسی فراهم بود بدین شرح است ۱ - محمد بن اسمعیل بخاری متوفی سال ۲۵۷ مسلم بن حجاج نیشابوری متوفی سال ۲۶۱ احمد بن حنبل متوفی سال ۲۴۱ محمد بن یزید ابن ماجه متوفی سال ۲۷۳ ابوداود سیستانی متوفی سال ۲۷۵ محمد بن عیسی

ترمذی ۲۷۹ احمد بن علی نسائی متوفی سال ۳۵۳ سلیمان بن
 احمد طبرانی متوفی سال ۳۶۰ علی بن عمر دار قطنی متوفی سال
 ۳۸۵ حافظ ابو نعیم اصفهانی متوفی سال ۴۰۲ علی بن محمد
 ماوردی متوفی سال ۴۵۰ احمد بن حسین بیهقی متوفی سال ۴۵۸
 موفق بن احمد خوارزمی متوفی سال ۵۶۸

بخاری در سند خود از حضرت رسول اله صلی اله علیه وآله
 روایت میکند که فرمود چه حالی خواهید داشت آنگاه که پسر مریم
 بر شما فرود آید در حالی امام شما از خودتان است (۱) مسلم
 نیز بهمین مضمون از آنحضرت آورده است (۲) و نیز از جابر
 بن عبدالله و ابو سعید بچند طریق از آنحضرت روایت میکند که
 فرمود در آخر امت من خلیفه هست که مال رابی حساب بخشش
 میکند (۳)

احمد بن حنبل در مسند از ابو سعید خدری روایت میکند که
 رسول اله صلی اله علیه وآله فرمود مژده میدهم بشما ظهور
 مهدی را که جهان را پر از عدل میکند چنانکه از ظلم و جور پر شده
 باشد ساکنان آسمان و زمین از او راضی هستند و مال را بطور مساوی
 میان همه تقسیم میکند (۱).

۱ - صحیح بخاری جزء ۴ صفحه ۱۷۶

۲ - صحیح مسلم جزء ۱ صفحه ۹۴

۳ - صحیح مسلم جزء ۸ صفحه ۱۸۵

ترمذی بچند سند از حضرت امیر المومنین علیه السلام و ابوسعید و ام سلمه و ابو هریره همگی از رسول اله صلی اله علیه و آله روایت کرده اند فرمود مردی از خاندان من که همنام من است فرمانروا میشود اگر از زندگی دنیا جز یکروز نمانده باشد خدا آنروز را طولانی میکند تا فرزندم بفرمانروایی برسد (۲) سپس میگوید این حدیثی است صحیح - ابوداود بسند خود از آنحضرت آورده است که فرمود اگر جز یکروز از عمر دنیا بجا نمانده باشد خدا آنروز را طولانی میکند تا مردی از خاندان من برانگیخته شود (۳) نسائی و ابن ماجه و بیهقی بسندهای خودشان از آنحضرت روایت میکنند که فرمود مهدی از خاندان من و از فرزندان فاطمه است (۴) حاکم و بزار و طبرانی در کتابهای خودشان آورده اند که حضرت رسول صلی اله علیه و آله فرمود در آخر زمان امت من بهلای سختی از فرمانروایان گرفتار میشوند که سخت تر از آن شنیده نشده است تا آنکه کسی پنگاهگاهی نمی یابد پس خداوند مبعوث میکند از خاندان و عترت من فردی را که جهانرا پر از عدل کند چنانکه از ظلم و جور پر شده باشد ساکنان آسمان و زمین دوستش

۱ - نورالابصار صفحه ۱۷۱

۲ - جامع صحیح جلد ۴ صفحه ۵۰۵

۳ - سنن ابوداود جلد ۴ صفحه ۸۷

۴ - اسعاف الراغبین صفحه ۱۳۲

میدارند و آسمان باران رحمت میبارد و زمین گیاه میرویانند (۵)
 ابونعیم و طبرانی از جابر بن عبدالله روایت میکنند که
 حضرت رسول اله صلی اله علیه وآله فرمود پس از من خلیفه‌ها
 خواهند بود و بعد از آنها امیران و بعد از آنها جباران سپس
 مهدی از اهل بیت من قیام میکند و زمین را پر از عدل و داد
 میکند چنانکه از ظلم و جور انباشته شده باشد (۶)

خوارزمی در ضمن حدیث مفصلی از آنحضرت که فرمود
 فرزندان من پس از من مظلوم خواهند شد و تا ظهور قائم آل محمد ص
 همچنان ادامه خواهد یافت و آن وقتی است که شهرها دگرگون
 شوند بندگان خدایان توان گردند و از فرج و گشایش نومید باشند
 در چنین وضعی قائم ظهور خواهد کرد. (۷)

و نیز طبرانی از حضرت رسول اله صلی اله علیه وآله روایت
 کرده که فرمود مهدی متوجه فرود آمدن عیسی علیه السلام میشود
 و باو میگوید برخیز و با ما امت با مردم نماز بگذار عیسی (ع) میگوید
 نماز بخاطر تو اقامه شده است آنگاه پشت سر فرزند من بنماز
 می ایستد (۸)

۵ - همان کتاب صفحه ۱۳۳

۶ - نور الابصار صفحه ۱۷۱

۷ - مناقب خوارزمی صفحه ۲۴

۸ - امعاف الراغبین صفحه ۱۳۵

گذشته از صاحبان صحاح و سنن جمع کثیری از بزرگان علماء اهل سنت که اصل کتابها و منقولات آنها در دسترس است ظهور مهدی را از حقایق مسلمه شمرده و بدان معترف و معتقدند و چون این مختصر گنجایش نقل نوشته هایشان را ندارد تنها بطور فهرست اسامی آن دانشمندان و کتابهایشان را در پایان می آوریم تا هر کس خواسته باشد مراجعه و از تفصیلات آنها آگاه شود و بداند که متهم ساختن شیعه بجعل حدیث مهدی تا چه حد مغرضانه و دور از حقیقت است .

و اما شخص مهدی آخر زمان بر حسب روایات متواتر و قطعی که از طریق امامیه از حضرت رسول اله صلی اله علیه وآله و ائمه هدی علیهم السلام بنام و لقب و نسبت و اوصاف معرفی شده است و از ضروریات مذهب امامیه است همانا وجود مقدس حضرت ابوالقاسم محمد بن الحسن (ع) یگانه فرزند بلا واسطه امام یازدهم حضرت حسن بن علی (ع) مشهور بعسکری است و بقول مشهور در پانزدهم ماه شعبان سال ۲۵۵ در شهر سامره متولد شد و نزدیک بهفتاد چهار سال رابطه و تماس آنحضرت با سفراء و خواص شیعه بر قرار بود و از این پس به غیبت کبری از نظرها پنهان شد و باذن حق تعالی بموقع خود که جز خداوند کسی از آن آگاه نیست ظهور خواهد کرد و در راس حکومت واحد جهانی قرار گرفته و بنا سامانیها پایان خواهد داد .

و اعتقاد بمهدویت آنحضرت منحصر بفرقه امامیه نیست و

جمعی از علماء اهل سنت نیز با ما همفکر هستند و عده^۱ را که کتابهایشان در دسترس است میتوان نام برد که شرح تولد و نسب آنحضرت را در ردیف سایر ائمه آورده اند سبط بن الجوزی محمد بن یوسف کنجی، صلاح الدین صفدی، محمد بن محمد بخاری، ابن الصباغ مالکی، محیی الدین العربی، عبدالرحمن جامی، عبدالوهاب شعرانی، ابن حجر عسقلانی، محمد بن طلحه شافعی صدرالدین حمودی، محمد بن طولون دمشقی، شیخ ولی الہ دهلوی شیخ جمال الدین عطاء الہ، شیخ شهاب الدین ہندی، شیخ عبد الحق دهلوی، مومن بن حسن شبلنجی، جلال الدین رومی، سلیمان بن ابراهیم حنفی، و اینک نمونه^۲ از نوشته هایشان را بخواننده گرامی عرضه میکنیم.

محیی الدین العربی در فتوحات مکیہ آورده است که خروج مهدی حتمی است ولی خارج نمیشود تا آنگاه که روی زمین بر از ظلم و جور گردد پس آنرا از عدل و داد پر کند و او از خاندان رسول الہ (ص) و از فرزندان فاطمہ (ع) است جدا عیالیش حسین بن علی ابن ابیطالب (ع) و پدرش امام حسن عسکری (ع) است آنگاه اجداد آنحضرت را تا حضرت امیرالمومنین (ع) بر شمرده سپس میگوید او ہمنام رسول الہ (ص) است و مسلمانان میان رکن و مقام ابراهیم با او بیعت میکنند (۱)

عبدالوهاب شعرانی در کتاب الیواقیت والجواهر نوشته مهدی فرزند امام حسن عسکری است ولادتش شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ است و او باقی است تا اینکه با عیسی بن مریم مجتمع گردد. (۲)

محمدپار سادر فصل الخطاب مینویسد از پیشوایان وپاکان خاندان پیامبر ابو محمد حسن عسکری است روز جمعه ششم ربیع الاول سال ۲۳۱ متولد شد و کنار قبر پدرش مدفون گردید و شش سال بعد از پدرش حیات داشت و فرزندى جز ابوالقاسم محمد (ص) منتظر که قائم و حجت و مهدی و صاحب الزمان و آخرین ائمه دوازده گانه ماهیه از خود باقی نگذاشت ولادت منتظر شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ بود مادرش نرجس و بهنگام وفات پدر پنج سال بود که از نظرها پنهان شد (۳)

محمد بن طلحه شافعی در کتاب مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول مینویسد مهدی همانا فرزند ابو محمد حسن عسکری است و در سامرا متولد شده است آنگاه بشرح شمایل و کیفیت حکومت آنحضرت و استدلال بر وجود و اثبات اینکه آنحضرت همان مهدی موعود است بتفضیل پرداخته است (۴)

۲ - نورالابصار ۱۷۰

۳ - ینابیع الموده ۱۸۲

۴ - ینابیع الموده ۲۰۰

محمد بن یوسف کنجی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان در آخر باب بیستم میگوید مهدی فرزند امام حسن عسکری است و او از روز غیبت تا با امروز زنده و باقی است و این امر محالی نیست بدلیل باقی بودن خضر و الیاس (۵) صلاح الدین صفدی در شرح الدائرة میگوید مهدی موعود همان امام دوازدهم از امامان است که اول آنها آقای ما علی (ع) است و آخرین شان مهدی است (۶)

ابن حجر عسقلانی در کتاب المختصر فی علامات المهدی المنتظر میگوید احادیث صحیح ما را بوجود مهدی منتظر معتقد میسازد و او همان است که دجال و عیسی (ع) در زمان او خروج خواهند کرد (۷)

نورالدین علی بن محمد مالکی در الفصول المهمه میگوید مهدی موعود همان فرزند ابی محمد حسن عسکری (ع) فرزند علی النقی (ع) است (۸) محمد بن علی الصبان مصری در اسعاف الراغبین پس از نقل کلام عبدالوهاب شعرانی و شیخ حسن عراقی گفته آنها را تایید میکند (۹) مومن بن حسن شبلنجی

۵ - همان کتاب ۲۰۱

۶ - همان کتاب ۲۰۱

۷ - الفتوحات الاسلامیه جلد ۲ صفحه ۳۲۰

۸ - ینابیع الموده ۲۰۱

در نور الابصار فصل جداگانه در مناقب آنحضرت و شرح نسبت و کیفیت ولادتش باز کرده و اقوال جمعی از علماء اهل سنت را در مورد غیبت و ظهور آنحضرت آورده است (۱۰)

شمس الدین محمد بن طولون دمشقی میگوید دوازدهمین آنها محمد (ص) فرزند امام حسن عسکری است و معروف است به حجت ولادتش روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ و پنج ساله بود که پدرش وفات کرد و در پایان شش بیت شعر در ذکر نامهای امامان دوازدهگانه سروده است و بیت آخرش این است والعسکری الحسن المطهر محمد المهدی سوف یظهر (۱۱)

شیخ سعدالدین حموی میگوید خداوند تعالی امت رسول اله (ص) را مخصوص داشت به دوازده ولی از اهل بیت پیغمبر و آنها را خلیفه پیغمبر بزرگوار خود قرار داد و آخرین جانشینان پیغمبر تصف به صفت ولایت و نیابت و دوازدهمین خاتمه اولیاء مهدی صاحب الزمان است (۱۲) شیخ فرید

مولوی و شیخ عبدالرحمن جامی و الدین عطار در دیوان شعر خودشان نام آن بزرگوار را بعنوان مهدی آورده اند.

۹ - اسفاف الرغبین ۱۴۱

۱۰ - نور الابصار ۱۶۸

۱۱ - الاثمه الاثنی عشر ۱۱۷

۱۲ - نیابیع الموده ۲۰۳

باید دانست که انحصار ائمه دین به دوازده نفر علاوه بر اخبار متواتر و ضرورت مذهب امامیه در کتب معتبر احادیث اهل سنت نیز از جمله صحیح بخاری و صحیح مسلم و صحیح ترمذی و سنن ابوداود و مسند احمد بن حنبل بچند سند و طریق از حضرت رسول صلی اله علیه و اله روایت شده است بخاری از جابر بن سمره روایت میکند از حضرت رسول اله (ص) شنیدم که میفرمود پس از من دوازده امیر خواهد بود پس کلمه گفت که من نشنیدم و از پدرم پرسیدم آن کلمه چه بود گفت فرمود همگی از قریش هستند (۳) مسلم با هشت طریق این روایت را با مختصر تفاوت در مضمون آورده و در یکی افزوده است که آنحضرت فرمود عزت اسلام و صلاح حال مسلمین بسته بوجود دوازده خلیفه است که همگی از قریش هستند (۵) احمد بن حنبل در مسند آورده است مردی در مجلس مقابله و قرائت قرآن از عبدالله بن مسعود پرسید آیا از حضرت رسول (ص) سؤال کردید چند نفر خلیفه در این امت خواهد بود عبدالله گفت از آنگاه که بعراق آمده ام پیش از تو کسی چنین سؤال از من نکرده است سپس گفت بلی ما از آنحضرت پرسیدیم و فرمود دوازده نفر بعدد نساء بنی اسرائیل (۶) ذکر

۳ - صحیح بخاری جزء ۹ صفحه ۸۱

۴ - صحیح مسلم جزء ۶ صفحه ۳ - ۴

۵ - صحیح ترمذی جلد ۵ صفحه ۵۰۱

عدد نقباء بنی اسرائیل با توجه بمضمون آیه شریفه ولقد اخذ الله
 میثاق بنی اسرائیل وبعثنا منهم اثنی عشر نقیبا (۷)
 میرساند که امامت و خلافت با نص خدا ورسول معین میشود نه
 بانتخاب مردم کوچه و بازار و نیز احمد بن حنبل روایت کرده است
 که حضرت رسول (ص) فرمود دین اسلام تا قیام قیامت برپا خواهد
 بود یا بوجود دوازده خلیفه بر شما که همگی از قریش هستند (۸)
 ابو داود در سه طریق روایت را نقل کرده است و بروایت کتاب
 موده القربی بجای همگی از قریش همگی از بنی هاشم آمده و بروایت
 ترمذی افزوده شده است (بالمآل همه امت بر آنها اتفاق خواهند
 نمود) جمال الدین عطاء الله در روضه الاحباب از جابر بن یزید جعفی
 روایت میکند که از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم چون ایزد متعال
 نازل گردانید بر پیغمبر خود یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و
 اطیعوا الرسول واولی الامر منکم (۹) گفتم یا رسول اله می شناسیم
 ما خدا ورسول او را پس کیستند اصحاب امر که خدایتعالی اطاعت
 ایشانرا قزین ساخته است باطاعت تو پس گفت رسول اله (ص)

۶ - مسند جلد اول ۳۹۸

۷ - سوره مائده ۱۲ از بنی اسرائیل برای عمل شریعت تورات
 پیمان گرفتیم و از میان آنها دوازده نقیب برانگیختیم .

۸ - مسند ج ۵ ص ۸۹

۹ - سوره نساء ۵۹

آنها جانشینان منند بعد از من اولین شان علی بن ابیطالب (ع) بعد یکایک امامان را برشمرد تا رسید به دوازدهم فرمود او حجت خدا است در روی زمین و باقی مانده در میان بندگان خدا، او همانست که از شیعه و دوستان پنهان میشود آنچنان غیبت که در اعتقاد بامامت او ثابت قدم نمی ماند مگر کسی که خدا دلش را از برای ایمان آزموده باشد (۳)

چنانچه مجموع این روایات را بنظر انصاف بررسی کنیم مقصود آنحضرت جز امامان دوازده گانه که بتصدیق مخالف و موالف همه آنها از حیث علم و عمل و تقوی و زهد و فضائل انسانی و مکارم اخلاق بارز و سرشناس بودند و هر یک بر حسب مقتضیات زمان و امکانات خود در حفظ معالم اسلام و احکام قرآن کوشا بوده و در این مجاهدت فداکاری نموده و حبس و تبعید و شهادت را بجان خریده اند چه کسانی دیگر میتوانند بود؟ بفرض اینکه سه نفر به اصطلاح خلفاء راشدین را بحساب بیاوریم و حضرت امیرالمومنین (ع) و امام حسن (ع) را چهارمی و پنجمی بشمریم هفت نفر دیگر چه افرادی هستند؟ آیا هیچ شخص با وجدان و مطلع از تاریخ میتواند باقی مانده را بعاوییه و یزید و مروان و غیره از بنی امیه و یابیه سفاح و منصور و هارون و دیگران از بنی العباس منطبق سازد؟ ... در تاریخ اینها جز هدم معالم اسلام و نقض مبانی کتاب و

سنت و حکومت جبارانه و به بردگی کشاندن مسلمانان و بوالهوسی و شهوترانی و خونخواری چیزی دیگر میتوان یافت؟ اینها همگی لکه‌های سیاه تاریخ اسلام هستند و حقا باید بزباله‌دان تاریخ ریخته شوند.

از سوی دیگر در روایات اهل سنت آمده است که حضرت رسول (ص) فرمود خلافت پس از سی سال بصورت دیگری درمی‌آید بخاری بسند خود از آنحضرت روایت میکند که تباهی امت من بدست چند نفر جوانان نوری قریش خواهد بود (۱) میبدی از آنحضرت نقل میکند خلافت پس از سی سال مبدل بحکومت مطلقه میشود (۲) زمخشری روایت میکند که آنحضرت فرمود خلافت بعد از من سی سال بعد مبدل براهزنی و خونخواری و خوردن بناحق مال مردم میشود (۳) ابن اثیر روایت میکند که آنحضرت فرمود خلافت تا سی سال بعد از من است و سپس به ستمگری و درندگی مبدل میگردد (۴) خازن از سفینه نقل میکند که آنحضرت فرمود خلافت پس از سی سال بحکومت مطلقه مبدل میشود (۵)

-
- ۱ - صحیح بخاری جزء ۹ ص ۴۷
 - ۲ - کشف الاسرار جلد ۶ ص ۵۶۱
 - ۳ - کشف جلد ۳ ص ۸۲
 - ۴ - نهاییه جلد ۳ ص ۲۵۳
 - ۵ - لباب التاویل جلد ۳ ص ۳۶۹

آیا با این مهر باطله که آنحضرت بصفحه تاریخ زما مداران بعد از سی سال زده است میتوان روایات دوازده امیر و دوازده خلیفه و اینکه عزت اسلام و صلاح حال مسلمین بسته بوجود دوازده خلیفه است را با این قبیل افراد تطبیق نمود و عزت اسلام و صلاح حال مسلمین را منوط بوجود این انگلها و نخاله های جامعه بشری دانست ؟

یا باید بمنطق عقل و حکم وجدان اذعان نمود که مقصود حضرت رسول (ص) از این عدد همان پیشوایان مورد اعتقاد شیعه و رکن دوم حدیث متفق علیه (انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی و مصداق حدیث مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح) است که همگی بقدرت و طهارت شهره بوده و چنانکه دیدیم جمع کثیری از اهل سنت شرح حال و مناقب و تاریخ ولادت و وفات آنها را در تالیفات خود آورده اند و جمعی از آنها در ولادت و بوجود آمدن حضرت مهدی (ع) با ما هم عقیده هستند و احدی از آنها فوت آنحضرت را نقل نکرده است با در نظر گرفتن مجموع روایات شیعه و سنی و با توجه بقواعد فهم حدیث و قانون اصولی حمل مجمل بر مبین و مطلق بر مقید در انطباق عدد دوازده بر پیشوایان شیعه و انطباق مهدی موعود بشخص مقدس امام دوازدهم تردید نباید کرد خاصه در بیشتری از روایات آنحضرت را با اسم و کنیه و لقب و اینکه نهمین نسل حضرت سید الشهدا علیه السلام و ششمین حضرت صادق و پنجمین حضرت موسی علیهم السلام معرفی کرده اند و

احتمال مهدی دیگر که بعدها بوجود خواهد آمد بی پایه و مایه است
تنها این شبهه و استبعاد باقی می ماند که چگونه مهدی
قائم (ع) تاکنون در قید حیات بوده و تا مدتی هم که خدا میداند
زنده خواهد ماند و این برخلاف ناموس طبیعت است .
اولا باید دانست که کلمه طبیعت یا طبیعی جز همان نظام
و رابطه علت و معلول و سبب و نتیجه که بحکمت آفریدگار جهان
در میان موجودات برقرار شده و خاصیت‌هایی که در نهاد آنها
گذارده شده است مفهوم و حقیقتی ندارد و یک نیروی مستقل به
شمار نمی‌رود و عبارت دیگر خداوند جهان فاعل مطلق بوده و
طبیعت اثر فعل او است و از این معنی گاهی بسنن الهی و گاهی
بناموس طبیعی تعبیر میشود و طبیعت بفلان منطقه سخاوت کرده
و یا فلان سرزمین دچار قهر طبیعت شده است حرف عامیانه^{۱۰} بیش
نیست و بشر بمقدار اندکی از سنن الهی وقوف یافته و بیشتر آن
هنوز مجهول و ناشناخته مانده است و ما اوتیتیم من العلم الاقلیلا
و مقدرات آفریدگار جهان از حیث کم و کیف حد و اندازه ندارد
و ثانيا در مقابله و مقایسه امر معقول و ممکن (بهر اندازه هم که
مشکل و بعید بنظر آید) با امر نامعقول و محال تفاوت بسیار است
مثلا وجود یک جسم در آن واحد در دو مکان امری است محال
و نشدنی و با اصطلاح فلسفه ممتنع الوجود بنا بر این قدرت بدان
تعلق نمی‌گیرد و بمحض تصور آن یقین حاصل میشود که در هیچ
اوضاع و شرایط بوقوع نخواهد پیوست و هیچ عاقلی هم ب فکر عملی

ساختن آن بر نمیآید .

ولی سکونت در کره ماه و مسافرت بکره مریخ امری است ممکن
ولسی بسی دشوار و در شرایط بسیاری که معلومات و مقدمات
امروزی بشر جمع و جور کردن آن کافی نیست میتواند در روزگار
دیگر واقع شود بنا بر این می بینیم از مدتها پیش علماء طبیعی و
ریاضی و فلکیات در صدد تهیه و کشف اسباب و وسائل آن بر
آمده و دستگاههای آزمایش و مقدماتی بفضا فرستاده و میفرستند
و محتمل است کوشش آنها روزی بشمر برسد .

چنین است مسئله عمر دراز و میهنویم دانشمندی که
هسته را شکافته و موشکهای دور پرواز بسوی کرات آسمانی پرتاب
میکنند و اینهمه در کشفیات الکترونیکی پیشرفت کرده اند از سوی
دیگر کوشش میکنند تا مگر بتوانند مرگ را از مسیر حیات بشر بر
کنار سازند و لا اقل وسیله عمر دراز را کشف نمایند پس این یک
امری است معقول و امکان پذیر ولی هیچگاه ب فکر این نیفتاده اند
وسيله برانگیزند در همان ساعت که در خانه با استراحت پرداخته اند
در پشت میز اداره نشسته و بکار اداری خود برسند

بعقیده جمعی از دانشمندان علم پزشکی و تشریح وزیست
شناسی مرگ در اثر توقف عمل سلولهای زنده به تاثیر عوامل
خارجی از قبیل نفوذ میکروبها و سموم ضد حیات و یا جرح و قتل
و سوختن و غرق شدن و امثال آن پدید میآید و اگر بتوان در
تغذیه و سایر فعل و انفعالات حیات بدن تعادل برقرار کرد و

در مصونیت از عوارض خارجی مراقبت کامل بعمل آورد هیچ دلیلی بر حتمیت مرگ وجود ندارد. و پیری و فرتوتی علت مستقل نبوده بلکه معلول همین عوامل است که در یک قسمت از سلولها تاثیر کرده و موجب بهم خوردن تعادل و ناهم آهنگی در فعل و انفعالات سلولهای سالم میشود و عمل حیوی آنها را مختل میسازد و در نتیجه ضعف و پیری و مرگ تدریجی پدید میآید نه آنکه مرور زمان خود بخود در آن موثر بوده باشد.

دکتر کاستون دوریویل میگوید (پیری نتیجه جنگ میکروبها با نسج داخلی بدن است) و تولوستوی گفته است (ما با مصرف سه مقابل خوراک لازم رشته زندگانی خود را قطع میکنیم) و فیلسوف سیک میگوید (زندگانی کوتاه نیست ماکوتا هش میکنیم) و دکتر نواریه در کتاب خود (بنام وسیله عمر دراز) بنقل از روجیر باکون استعداد زندگی را یک هزار سال معین کرده است و دکتر سنچیکوف شاگرد پاستور تا سیصد سال معتقد شده است. یکی از دانشمندان روسی بنام (واسیلی زاخارچینگو) مدیر مجله تکنیک جوانان اعلام کرد با وسایلی که امروز در دست تهیه است و با مطالعات و آزمایشهایی که بعمل آمده میتوان افراد بشر را بخواب برده و پس از هزار سال دیگر بیدار کرد بی آنکه کوچکترین عیبی دیده باشند (۱)

و نیز یک مجمع علمی در واشنگتن اعلام کرد که اگر بشر بتواند مسئله خواب مصنوعی را حل کند میتواند بیش از هزار و چهارصد سال عمر کند خواب مصنوعی شبیه خواب زمستانی در حیوانات است دانشمندان مجمع علمی مذکور عقیده دارند که بکمک این خواب بشر میتواند یازده برابر عمر طبیعی خود زندگی کند (۱).

و در یکی از مجلات و زین علمی عربی مقاله^ی در این باب درج شده است و خلاصه آنست که دانشمندان مورد وثوق معتقدند همه عضلات اساسی بدن حیوان قابل زندگی نامحدود است و ممکن است انسان هزار سال زندگی کند بشرط آنکه از عوارضی که رشته حیات را قطع میکند برکنار بوده باشد و این گفتار یک تئوری وحدس نیست بلکه نتیجه آزمایشهای پی گیر است که توسط دانشمندان زیست شناس و جراحان در مورد اعضاء مختلف بعضی حیوانات بعمل آمده است دکتر الکسیس کارل که در موسسه روکفلر در نیویورک بکارهای آزمایشی میپردازد پاره از جنین مرغی را بیش از هشت سال در شرایط مساعد و با رساندن غذاهای مخصوص نگاهداشت و این عمل را در مورد قطعاتی از بدن انسان از عضله و پوست و حتی قلب و کلیه بکار بست و مشاهده کرد بموازات غذای لازم که بآنها میرسد نه تنها زنده میمانند بلکه نمو هم میکنند و پیش از او دکتر جاک لوب که در همان موسسه کار میکند

نظیر این آزمایش را بعمل آورد و نتیجه مثبت گرفت و همچنین دکتر ورن لوی و همسرش ثابت کردند که اگر سلولهای جنین را در آب نمک به نسبت مخصوص قرار بدهیم و بعضی مواد آلی بر آن بیفزائیم سلولها عمل رشد و تقسیم و افزایش را انجام میدهند بالاخره دکتر ریموند استاد دانشگاه جون هیپکنس گفت که این تجربه ثابت میکند که همه سلولهای اساسی بدن انسان در شرایط مخصوص میتواند همیشه و لااقل مدت درازی زنده بماند (۱).

در یکی از مجله‌های فارسی نوشته بود مسئله عمر دراز یا دوام بی‌نهایت سلولها در صورتیکه آنها را بوضع مناسب نگاهدارند در نتیجه عملیاتی به‌سذاهت پیوست چنانکه بعضی از علمای یک قطعه از قلب مرغی را که بحال جنین بود بریدند و در مکانی خارج بمدت بیست و یکسال در حال حیات نگاهداشتند و اگر میخواستند میتوانند این تجربه را الی مالانهایه دنبال بکنند این عمل ثابت کرد که علت العلل مرگ چنانکه معمولا متصور میکنند ناتوان شدن اجزاء اعضای مرکب کننده جسم نیست بلکه مرگ وقتی فرا میرسد که بر اثر کیفیات خارجی وجود یک قسمت از همین اجزاء و اعضای لازم برای دوام حیات در معرض خطر قطعی بیفتد و عارضه و سانحه اتفاقی بر آنها مستولی گردد (۲)

بادر نظر گرفتن نوشته‌ها و تجربه‌های دانشمندان محدود دانستن عمر انسان مثلا بصدسال و زندگی نهصد و پنجاه سال نوح پیامبر و خواب سنگین سیصد و نه ساله اصحاب کهف را که در قرآن مجید آمده است برخلاف ناموس طبیعی دانستن مبتنی بر حقیقت علمی نیست و تنها عمر عادی و متعارف بشر در همین حدود است ما این شواهد را برای رفع استبعاد و تقریب بذهن معترضان آوردیم و در گذشته‌ها با خواندن یک آیه و یا استناد بیک حدیث میشد دهان معترض را بسته وقانع نمود که خدا و پیامبر راستین چنین خبر داده‌اند ولی در روزگار باصطلاح اندیشمندان برای ساکت کردن آنها باید از گفته فلان دکتر اروپائی یا نوشته فلان پروفیسور آمریکائی دهان بند تهیه کرد خلاصه مجرد استبعاد دلیل بر نفی امکان یا وقوع یک پدیده نمیتواند بود در عصر ما هزاران اختراع شگفت انگیز در نتیجه اکتشاف بعضی از اسرار آفرینش و با پیشرفت صنعت بوجود آمده است که با میزان معلومات و طرز تفکر مردم دو قرن پیش جزء محالات شمرده میشد و شاید مقایسه امروز با دو قرن بعد نیز همینطورها باشد.

ثالثا درست است که آفریدگار مقتدر و گرداننده مدبر جهان بحکمت و مشیت خود سنتها و قوانین در دستگاه آفرینش بجریان انداخته و نظم و ترتیب و رابطه میان موجودات برقرار

نموده است که همگی از آن نظام تبعیت مینمایند و در عرصه وجود هر چه و مرج وجود ندارد ولی بدین نکته نیز باید توجه نمود که آنچه مسخر و مقهور سنن و قوانین است مخلوقات جهان است نه آفریدگار آن .

و دست خداوند در دستگاه خلقت هرگز بسته نمیشود
 یحیوالله ما یشاء و یثبت و عنده ام الكتاب (۱) .

خداوند انسانرا ابتداء از گل ولای سالخورده با روشی که تاکنون بر ما مجهول است آفریده و سپس نسلهای بعدی را از نطفه مرد و زن بوجود آورده و میآورد بدء خلق الانسان من طین ثم جعل نسله من سلاله من ماء مهین (۲) و بار دیگر او را از ذرات متلاشی و پراکنده در زمین و فضا پدید خواهد آورد كما بدئکم تعودن (۳) .

در پیدایش مولودی از نظر ما عادت بر این جاری شده که نر و ماده در شرایط مخصوص بهم آمیزند تا نسلی از آنها پدید آید و این بمعنی آن نیست که خدا راه دیگری برای بوجود آوردن انسان با حیوانی در اختیار و قدرت خود ندارد بلکه چنانچه

۱ - خدا آنچه را بخواهد از صفحه وجود محو میکند و آنچه را که بخواهد پایدارش مینماید و نسخه اصلی آفرینش نزد اوست
 ۲ - خدا خلقت انسانرا از گل آغاز کرد سپس پیدایش نسل او را از چکیده مایع بی ارزش مقرر نمود .

۳ - بهمان طور که شمارا پدید آورده است دوباره زنده خواهد کرد

مشیت خدا بنحو دیگری از ایجاد تعلق بگیرد میتواند سببی را جایگزین سبب دیگر سازد و سنت دیگری در خلقت بجریان اندازد و مثلا حضرت مسیح را بسنتی ناشناخته بوجود آوردانما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون (۴)

بدین قیاس میتواند مهدی آخر زمان را در حمایت همه جانبه خود تندرست و از همه آفات ضد حیات مصون داشته قرنها زنده نگاهدارد بی آنکه ضعف و فتوری بر او عارض شود و بمضمون بعضی روایات آنحضرت با همه سالخوردگی بهنگام ظهور قیافه مرد سی و پنج و چهل ساله دارد.

مگر همه اسرار جهان بر ما روشن شده است تا بتوانیم بمقیاس آن در وقوع یک پدیده بطور قاطع قضاوت کنیم این طرز فکر و قضاوت عجولانه مخصوص باشخاصی است که محفوظاتشان از الف بای علوم طبیعی تجاوز نکرده و بغرور جهل مرکب گرفتار شده اند و بر خود میبالند.

ما مدبر عالم هستی را آفریدگاری میشناسیم که دارای علم محیط و قدرت غیر متناهی و اراده و مشیت است بنا بر این روش استدلالی ما در توجیه و تفسیر پدیده های خارق عادت قابل درک و قانع کننده تر است تا روش مادیین که هر گاه بچیزی که

۴- کار خدا چنین است هر گاه چیزی را اراده کرد بمحض فرمان همان آن بوجود میآید.

برخلاف سنن متعارف بوجود آمده است برخورد میکنند عنوان
فلتات طبیعت و یا جهش (متاسیون) را پیش کشیده و مجهولی
را با مجهول دیگری تفسیر و توجیه میکنند و به تبدیل نام قانع میشوند
وفی الحقیقه بدین سفسطه جهل و عجز خودشانرا پرده پوشی
مینمایند.

خلاصه آنکه هر چند سنن خلقت لایتغیر است ولی نسبت
بما و سایر مخلوقات نه نسبت بذات مقدس خدا پس هر گاه امکان
یک امر خارق عادت بثبوت رسید و با قضایای مسلم علمی (نه تئوری
و حدسیات و تخیلات) معارض نبود و از سوی دیگر نص صریح و
غیر قابل تردید و تاویل وقوع آنرا اثبات کرد بحکم منطق عقل
ما جز اذعان و ایمان بدان وظیفه دیگر نداریم والبته این از نظر
زودباوری و تقلید کورکورانه نیست بلکه از رهگذار ایمان به آفریدگار
دانا و توانای جهان و تصدیق نبوت پیامبر راستین و آگاه از گذشته
و آینده بشر است.

راه معتدل و میانه همین است که لطف و هدایت حق تعالی
در پیش پای مانهاده است بر عکس آنهایی که راه افراط و تفریط
پیموده و بگمراهی افتاده اند برخی بنام روشنفکر و تحصیل کرده
(از آن نوع تحصیل که اشاره شد) آماده نیستند قضیه مهدویت را
لااقل بشکل تئوری و فرضیه بررسی کنند و یک امر احتمالی بحساب
آورده و بانکار آن شتاب نورزند و گروهی از قرن یکم اسلام تا
بامروز بهر آوازی که بدعوی مهدویت از نائی برخاسته و هر نغمه

که ساز شده است گوش فرا داده و سر تسلیم فرو آورده و دروادی او هام و تخیلات گمراه گشته اند و نقطه ضعفی از خوش باوری و فریب پذیری از خود نشان داده و ^{زمینه} مهدی سازی و بازار با بی شهادان و دجالان را فراهم ساختند و طالبان جاه از این عنوان بهره برداری نمودند .

مختار بن ابی عبیده ثقفی برای پیشرفت مقاصد جاه طلبانه و ماجراجویانه خود بعد از آنکه از همکاری با عبدالله بن زبیر به هدف خود نرسید حضرت محمد بن علی (ع) معروف به محمد بن را (بی اطلاع ایشان) مهدی منتظر معرفی کرد و فرقه کیسانیه را پایه گذاری نمود (۱) .

و همچنین پیروان و علاقه مندان محمد بن عبدالله بن الحسن (معروف به نفس زکیه) آنجناب را نامزد این مقام نمودند و حضرت صادق علیه السلام جدا در مقام انکار برآمده و در مجلسی که برای بیعت گرفتن منعقد شده بود فرمود بخدا قسم این شخص مهدی و قائم آل محمد (ص) نیست و اگر قیام کند حتما کشته خواهد شد . (۲)

بنظر میرسد در حدیثی که در سنن ابو داود از حضرت رسول (ص) در معرفی شخص مهدی که او همانام من است نقل

۱ - طبری جلد ۴ ص ۴۳۴

۲ - کرزج الذهب جلد ۲ ص ۱۶۷

شده بمنظور تطبیق آن بقیام محمد بن عبدالله بن الحسن دستبرد شده و چهار کلمه (واسم ابیه اسم ابی) یعنی پدر مهدی (ع) همنام پدر من عبدالله است بر آن افزوده شده است .

چنانکه ابو جعفر منصور دومین خلیفه آل عباس دشمن سر سخت و قاتل محمد بن عبدالله نفس زکیه بفرزند و جانشین خود محمد لقب مهدی داد تا از این عنوان بهره برداری کند و عمرو بن عبید معتزلی بدین عمل علنا اعتراض کرد و گفت فرزند تو هرگز لایق این مقام نیست (۱)

در اواخر قرن سوم شخصی بنام عبیداله با لقب مهدی در افریقای شمالی قیام کرد دولت فاطمیین را تاسیس نمود و در سال ۵۱۵ مدعی دیگری بنام محمد بن عبدالله بن تومرت در شهر سوس بهمین عنوان بپا خاسته و دولت موحدین را تشکیل داد و در اوایل قرن هشتم شخصی از صوفیه مشهور به تویرزی در افریقا بدعوی مهدویت فتنه ها بر پا کرده و بدسیسه زمامداران وقت غله بقتل رسید و در اواخر همان قرن یکی دیگر بنام عباس بدین عنوان قیام کرده و جمعی را فریفته و شهر مراکش را به آتش و خون کشیده و خود نیز در این گیر وادار کشته شد (۲)

در اواخر قرن سیزدهم محمد احمد سودانی بدعوی مهدویت

۱ - مروج الذهب جلد ۲ ص ۱۹۱

۲ - المواقف الحاسمه ۱۷۸ و سایر کتابهای تاریخ

علم برافراشت و مشکلاتی برای حکومت مصر پیش آورده و تلفات سنگینی از نفوس و اموال ببار آورد و با از میان رفتن خود و جانشینش عبدالله التعایشی بساط فتنه چنه ساله اش برچیده شد .

هم در آن قرن در ایران شیادانی ب فکر استفاده از این عنوان افتاده در آغاز کار مدعی وساطت و بابیت حضرت قائم (ع) شده و سپس بتدریج با فراتر گذاشته و بدعوی مهدویت و نبوت و اولوهیت پرداختند و در آغاز کار جمعی را که از وضع نابسامان سیاسی و اجتماعی آنروز ناراضی بودند اغوا و اغفال نموده و فتنه و فساد در چندین نقطه کشور برآه انداختند و ترهاتی که نه عبارات و الفاظش با دستور زبان درست بود و نه معنی معقولی داشت بنام بیان بدعوی اینکه وحی آسمانی و شریعت تازه است بخورد معدودی مردم ساده لوح داده شد و پیش از آنکه پیروانش فرصت عمل بر آن پیدا کنند مدعی از میان رفت و شاید دیگری آنرا نسخ نموده و به مهملات دیگری از همان سنخ بنام اقدس و ایقان عده^ی را سرگرم نمود. دولتهای استعماری که برای ایجاد اختلاف و تفرقه میان ملت‌ها بهر بهانه مذهبی یا مسلکی متوسل میشوند زیر بال کارگردانان را گرفته و بهره برداری نمودند و مینمایند بدین جهت هنوز هم از دور و نزدیک آوایی از این طبل تو خالی بگوش میرسد و بقایایی از آن بجای مانده که در این سه گروه خلاصه میشوند .

۱ - معدودی دجال و راهزن و فریبکار که تنهادرپی تحصیل

مال و جاه و مقام و ادامه ریاست خویشند و سیاست استعماری وابستگی دارند.

۲ - عده کبولهوسوبی بند و بار که در این بساط محیط مساعد خوشگذارنی و شهوترانی یافته‌اند و از پشتیبانی دسته‌ی اول برخوردارند.

۳ - گروهی نادان و زودباور و حراج گذار که نقش گاوشیرده دو دسته اول را ایفا مینمایند و یک چنین بساط را نمیتوان دین و مذهب نامید و اسم آنها نه در قاموس ادیان بلکه در قاموس احزاب باید جستجو کرد مثلاً حزب دغلكاران یا ستون پنجم استعمار و دستیار صهیونیسم.

مسلمانان عصر غیبت باید بیدار بوده و چشم براه هر مدعی تازه وارد نباشند و با هر آوازی همصدا نگردند چه بشرحی که توضیح دادیم مهدی موعود با اسم و نسب و اوصاف و علائمی اشتباه ناپذیر معرفی شده است که جز به شخص مقدس امام دوازدهم به کسی دیگر قابل انطباق نیست و برنامه کارش بسیار روشن و برای همگان قابل درک است یعنی احیاء شریعت جد بزرگوارش بعد از اندر اس و اجرای احکام قرآن پس از متروک بودن آن و بسط عدل اجتماعی در روی زمین و تاسیس حکومت واحد جهانی و هرگاه آن شخص معین با این مشخصات که در شناسنامه اش قید شده است ظهور فرمود و با احیاء شریعت اسلام (نه از میان بردن و نسخ آن چنانکه دجالان کرده‌اند) قیام نمود انشاءاله توفیق و افتخار

پیروی نصیب منتظران ظهور خواهد شد همین وبس .
در کتاب و سنت دنباله روی از هیچ کس دیگری بنام باب
یارکن رابع یا قطب مطلقا بر ما توصیه نشده است و نباید افرادی
خود را زیر این عنوانها بر ما تحمیل نمایند .

و اگر در آغاز کار گروهی خوش باور مشتبه شده و با امید بهبود
اوضاع سیاسی و اجتماعی بدنبال مدعیان دروغین افتادند امروز
دیگر جای شبهه بر هیچ کس نمانده است آیا با گسترش شر و فساد
و بیدادگری و خونریزی در پنج قاره جهان مخصوصا در سالهای
دوم جنگ بین المللی و بعد از آن که هر روز از روز گذشته سختتر
میشود و خوف و هراس جنگ سوم همگی را فرا گرفته است نه از
عدل اجتماعی خبری هست و نه از امنیت عمومی اثری هنوز هم
روشن نشده است که این مدعیان دجالان آخر الزمان بوده اند
و نه مهدی موعود؟ . . . در دنیای امروز آیا وقت و فرصت آن هست
که کسی دل بدینگونه اوهام و دعاوی بدهد و در ترازوی مهملات
باب و بها سنگی نهد و یک مشت راهزن را برهبری برگزیده و
دنباله روشیادان گردد؟ . چشم باز و گوش باز و بین عمی حیرتم
از چشم بندی خدا . . .

حقیقت امر این است که بشر با همه پیشرفتهای که در قلمرو
ماده کرده است روحا و معنا بعقب برگشته و هنوز رشد و استعداد
پذیرش عدل اجتماعی و حکومت واحد جهانی را پیدا نکرده
است و حتی طبقات زیر دست و محرومان نیز که دست بدعا و

چشم بانتظار تحول در اوضاع هستند آمادگی قبول عدالت مطلق و همه جانبه را ندارند و هر فرد و طبقه عدالت را بنفع شخصی یا طبقه خود تفسیر میکند ببری مال مسلمان و چومالت ببرند بانگ و فریاد بر آری که مسلمانی نیست ، و طبعاً تا زمانیکه استعداد پیدان شده و زمینه مساعد نگردیده است چنین انقلاب و تحولی پدید نخواهد آمد ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم (۱) .

آری مادام که جامعه‌های بشری از تعالیم آسمانی رو برگردانیده و با خدا قطع رابطه کرده و بسرکشی و طغیان سر برافراشته‌اند و تنها بحول و قوه خود متکی هستند و هر روز سازمانها و نظام جدیدی مابین با شرایع آسمانی وضع کرده و بخیال خود بسوی سعادت گام بر میدارند و تا زمانیکه کوس رسوائی رژیم‌های فاسد ساخته بشر اعم از حکومت سرمایه‌داری و کارگری و دهقانی و نظامات فاشیستی و کمونیستی و غیره بر سر بازار جهان نواخته نشده‌است و هر دسته از مردم بیکی از آنها دلبسته و امیدوارند و بالاخره تاسرهای پر از باد غرور بسنگ ندامت نخورده و بفلطکارپهای خودشان اذعان نمی‌نمایند و مستان عربده کش بهوش نمی‌آیند انتظار بهبود فرج بیمورد است و ظهور مصلح آخر زمان زمینه

۱ - خدا وضع هیچ قومی را دگرگون نمی‌سازد تا اینکه آنچه بدان خو گرفته‌اند تغییر بدهند رعد ۱۱

مساعد ندارد چنانکه در بعضی از روایات بدین معنی اشاره شده است که پیش از ظهور آنحضرت حکومت و زمامداری بنوبت بدست همه طبقات جامعه خواهد افتاد و حجت الهی بر همگان اتمام خواهد شد تا دیگر کسی نگوید اگر کار بدست ما میبود چنین و چنان میکردیم و بکار مردم سامان میدادیم .

و بدون شک در شرایط کنونی دنیا اگر آن بزرگوار قیام کند از طرف جامعه امروز با خلال گری و کهنه پرستی و ارتجاع سیاه متهم گشته و از میان خواهد رفت و خداوند چنین سرنوشتی را برای آنحضرت نخواسته است مگر با اجداد اجدادش جز این رفتار شد منصور به حضرت صادق گفت جعفر از موی سپید خود شرم نمیداری و در ملک من اخلاص میکنی هارون میگفت موسی (ع) وحدت امت را بهم میزند و توطئه چینی میکند اگر طبقات ممتاز جامعه چون تحول و انقلاب را بسود خود نمیدانند طبعاً با رهبر صالح به مبارزه بر میخیزند ولی زیردستان و محرومان جامعه بچه علت از او گریزانند و سدر راه دعوت اصلاحی میشوند حضرت امیرالمومنین علیه السلام که مظهر حق و عدالت و رحمت بود و برای آسایش و رفاه طبقات پائین جامعه آنروز با ستمگران و سرکشان بمبارزه و فداکاری برخاست سرانجام بدست کسانی بشهادت رسید که بنفع آنها مجاهده میکرد و اگر بدست معاویه و عمرو بن عاص بقتل میرسید این اندازه دردناک و شگفت آور نبود یکی از علل قیام حضرت سید الشهداء علیه السلام چنانکه خودش فرمود ان بنی

امیه‌اتخذوا مال الله دولا وعبادالله خولا این بود که بنی امیه بیت المال را که مال خداست و باید صرف رفاه و مصالح‌بندگان او گردد در میان خودشان دست بدست میگردانند و بندگان آزاد خدا را ببردگی میکشانند آنگاه بدست همان زیر دستان که برای رهایی از حکومت جابره بنی امیه در طی صدها نامه دست بدامن آنحضرت یازیده و استغاثه میکردند بشهادت رسید.

ناگفته نماند که انتظار فرج در عصر غیبت بمعنی این نیست که عارف و عامی دست روی دست نهاده و تنها بدعای ندبه و یا چله‌نشینی در مسجد محله اکتفا کرده و همه کارها را به امام زمان محول بنمایند چه بطوریکه پیشتر گفتیم پیشگویی و بشارت ظهور مهدی آخر زمان به منظور تقویت روحی و تحریک نیروی پایداری پیروان اسلام است - نه منظور تخدیر اعصاب آنها و قانون اسلام هیچگاه تعطیل بردار نیست - و مسئولیت همچنان باقی است و مسلمانان موظف هستند در بپا داشتن احکام قرآن و سنت حضرت رسول (ص) و ائمه هدی علیهم السلام تا حد مقدورات و امکانات خودشان همت گماشته و از اشاعه بیشتر شر و فساد جلو گیری کنند و هر فرد مسلمان میتواند و باید ابتداء برای اصلاح نفس خود و عمل بتعالیم اسلام پرداخته و سپس در پرورش استعداد و رشد فکری دیگران کوشش کرده و زمینه ظهور ^{مهدی (ع)} را مهیا سازد. این است معنی انتظار فرج و این است وظیفه منتظر نه آنکه بعوض انجام وظیفه مراسم تشریفاتی از قبیل برپا داشتن طاق

نصرت و بر افراشتن پرچم های رنگارنگ و آذین بندی و چراغانی در مساجد و در کوی و برزن و تقسم شیرینی و شربت تحویل امام زمان بدهد و یا به پیشگویی دروغین فلان رمال عوام فریب و منجم یا وهگو و تطبیق بعضی کلمات با اعداد حساب ابجد تاریخ ظهور معین کند و یا خوابی که فلان مرید دیده و تعبیری که امام جماعت مسجد کرده دل ببندد گویی خواب بیننده حضرت ابراهیم (ع) است و تعبیر کننده یوسف صدیق ...

مسلمانان آنچه بر شمردیم طرفی نتوان بست و گرهی از کار مسلمانان نتوان گشود. جدول اعمال شب و روز نیمه شعبان از دعا و نماز و روزه و زیارت مخصوصه در آثار ائمه هدی (ع) بتفصیل نوشته شده است و کسی را با آن کاری نیست ولی این مراسم متداول که در آن جدول درج نشده است بنام شعائر مذهبی مورد عمل قرار میگیرد غافل از آنکه شعار دین اسلام را خدا و رسول (ص) باید معین کند نه مردم کوچک و بزرگ. . . . بفرض اینکه این تشریفات بگناه دیگری آلوده نشود آیا خود این اسراف کاری و گشادبازی در کشوری که خانواده ها و افراد بیشتری در آن فاقد وسیله ابتدائی معاش هستند طاعت بشمار میآید و یا گناه؟ . در صورتیکه بچشم خود دیدم مغازه داری در یکی از خیابانهای جنوبی سد معبر کرده و قسمت پیاده رو را با چیدن میز و صندلی اشغال نموده و بساط شربت و شیرینی گسترده بود و رادیو مغازه نیز ساز و آواز پخش میکرد و با کمال پرورشی بمن نیز تعارف کرد که بفرمائید؟ زشتترو

آلوده تر از این منظره را بارها از اشخاص موثق شنیده‌ام .
 قل هل ننبتکم بالاخرین اعمال الذین ضل سعیهم فی الحیاة الدنیا
 وهم یحسبون انهم یحسبون صنعا (۱)

پایان

۱ - بگو آیا آگاه کنیم شمارا از زیانکارترین مردم آنها که کار و
 کوشششان در زندگی دنیا بهدر رفت و خودشان میپندارند که کار
 نیک میکنند .
 سوره کهف ۱۰۴

اسم كتاب	متوفى سال	اسم مؤلف
كتاب العرائس في قصص الانبياء	٤٢٧	ابو اسحق ثعلبي
تاريخ مواليد الائمة ووفياتهم	٥٦٧	عبداله بن احمد بن خشاب
جامع الاصول و نهايه	٦٥٦	ابن اثير مبارك بن محمد جزري
تذكرة الخواص	٦٥٤	سبط بن الجوزي
مظهر الصفات	٦٢٧	فريد الدين عطار نيشابوري
الفتوحات المكيه	٦٣٨	محيي الدين بن عربي
شرح نهج البلاغه	٦٥٥	ابن ابي الحديد معتزلي
كفايه المطالب = البيان	٦٥٨	محمد بن يوسف كنجي
في اخبار صاحب الزمان		
ديوان شمس	٦٧٢	جلال الدين رومي
ذخائر العقبي	٦٩٤	محب الدين طبري
فرائد السمطين في فضائل المرتضى والبتول والسبطين	٧٢٣	صدر الدين حمودي
شرح الدائره	٧٦٤	صلاح الدين صفدي

اسم كتاب	متوفى سال	اسم مؤلف
	٥٥	محمد بن محمد بن
فصل الخطاب	٨٢٢	محمود بخارى
القول المختصر فى علامات المهدى المنتظر	٨٥٢	احمد بن على بن حجر عسقلانى
الفصول المهمه	٨٥٥	على بن محمد بن الصباغ المالكى
شواهد النبوه	٨٩٨	عبدالرحمن جامى
الاعنه الاثنى عشر	٩٥٣	شمس الدين محمد بن طولون
لواقح الانوار = اليواقيت والجواهر	٩٧٣	عبدالوهاب شعرانى
جواهر العقدين	٩١١	نور الدين على بن عبدالله سمهورى
الاشاعه فى اشراط الساعه	١١٥٣	محمد بن عبدالرسول برز نجى
كتاب النزته	١١٧٦	شيخ ولى الله دهلوى
اسعاف الراغبين	١٢٥٦	محمد بن على الصبان مصرى
ايضاح لطائف المقال		شيخ رشيد الدين دهلوى

اسم كتاب	متوفى سال	اسم مولف
روضته الاحباب		سيد جمال الدين عطاء اله
الفتوحات الاسلاميه		زينى وحلان
هدايه الشعراء		شيخ شهاب الدين هندي
مناقب و احوال ائمه اطهار	١٠٥٢	شيخ عبدالحق دهلوى
ينابيع الموده		سليمان بن ابراهيم حنفى
دره المعارف		شيخ عبدالرحمن بسطامى
المكاشفات		شيخ على بن اسداله مودودى
نور الابصار		مومن بن حسن شبلنجى
مطالب السئول = الدر المنظم		محمد بن طلحه شافعى
كتاب الفتن		حافظ الواحد الهنعيم بن حمار
روح البيان		شيخ اسمعيل حقى
اظهار الحق		شيخ رحمه اله هندي